

Identifying and Ranking the Factors Affecting the Establishment of Entrepreneurship in the Banking System of the Islamic Republic of Iran and Explaining the Consequences

Reza Karimi Vardanjani *

Received: 15/06/2020

Hossein Hasanzadeh Sarvestani **

Accepted: 05/08/2020

Mohammad Hossein Ghavam ***

Amir Ghafari ****


Abstract


The phenomenon of banking entrepreneurship has become one of the major problems of the banking system today. The banking system is the main source of financing the production sector and the country's economy, but, unfortunately, banks' involvement with entrepreneurship has created serious challenges for their financing of the country's economy. Certainly, one cannot blame entrepreneurship altogether, and if it is performed within the framework of the country's regulations and interests, it can benefit the country's economy under sanctions. The purpose of this study is to extract and identify the factors affecting bank entrepreneurship in Iran. This research is practical in terms of purpose and descriptive in terms of data collection. Structural equation and partial least squares methods have also been used to analyze the data. The results confirm ten factors that lead to the creation of entrepreneurship, and has placed each factor under one of the hidden variables of government, central bank, banking performance and macroeconomic environment in regard to the proposed conceptual model. In the end, the most important solutions are suggested.


Keywords

Banking Entrepreneurship, Banking System, Central bank, Partial Least Squares, Bank.

JEL Classification: C12, E58, G21, G32.

* Ph.D. Candidate of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) reza.karimi@isu.ac.ir  0000-0003-3950-097X

** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hasanzadeh@isu.ac.ir  0000-0001-9018-2108

*** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ghavam@isu.ac.ir  0000-0001-5556-7846

**** M.A. Student of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
a.ghafari@isu.ac.ir

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

رضا کریمی وردنجانی*
حسین حسن زاده سروستانی**
محمدحسین قوام***
امیر غفاری****

چکیده

امروزه پدیده بنگاهداری بانکی به یکی از معضلات بزرگ نظام بانکی تبدیل شده است. نظام بانکی اصلی‌ترین منبع تأمین مالی بخش تولید و اقتصاد کشور است که متأسفانه ورود بانک‌ها به حوزه بنگاهداری توان تأمین مالی آنها را برای اقتصاد کشور با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ البته می‌توان ادعا کرد که هر نوع بنگاهداری مذموم و ناپسند نیست و اگر حدودمرز بنگاهداری در چارچوب قوانین و مصالح کشور توسط بانک‌ها رعایت گردد، می‌توان از این پدیده در راستای رونق اقتصاد کشور در شرایط تحریمی بهره برد. هدف از این پژوهش استخراج و شناسایی عوامل مؤثر بر بنگاهداری بانک‌ها در ایران است. این پژوهش از منظر هدف کاربردی و از جهت گردآوری داده‌ها، توصیفی است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش، ۱۰ عامل را که منجر به ایجاد بنگاهداری می‌شود تأیید نموده و هر عامل را با توجه به مدل مفهومی ارائه شده، ذیل یکی از متغیرهای پنهان دولت، بانک مرکزی، عملکردهای بانک‌ها و فضای اقتصاد کلان قرار داده است. در پایان نیز مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی بیان شده است.

واژگان کلیدی

بنگاهداری بانکی؛ نظام بانکی؛ بانک مرکزی؛ حداقل مربعات جزئی؛ بانک.
طبقه‌بندی JEL: G32, G21, E58, C12.

* دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

reza.karimi@isu.ac.ir 0000-0003-3950-097X

** استادیار گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

h.hasanzadeh@isu.ac.ir 0000-0001-9018-2108

*** استادیار گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

ghavam@isu.ac.ir 0000-0001-5556-7846

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

a.ghafari@isu.ac.ir

هرگاه درباره مسائل نظام اقتصاد ملی ایران بحث می‌شود، پای نظام بانکداری هم به میان می‌آید. در سال‌های اخیر ورود بانک‌ها به عرصه بنگاهداری، کارایی آنها را در انجام وظایف اصلی خود - یعنی واسطه‌گری مالی - کاهش داده است، به گونه‌ای که بانک‌ها رأساً وارد تملک یا سهامداری بنگاه‌های مختلف شده‌اند و با توجه به در اختیار داشتن حجم انبوهی از منابع، خود به رقیبانی بسیار بزرگ برای بنگاه‌های تولیدی به‌ویژه تولیدکنندگان خرد تبدیل شده‌اند و بخش اعظم منابع خود را به شرکت‌های زیرمجموعه اختصاص می‌دهند. هدایت این منابع به سمت فعالیت‌های مولد و پربازده می‌تواند موجبات اشتغال‌زایی و خروج از رکود شود و به تبع رشد اقتصادی را فراهم آورد. ضمن آنکه بانک‌ها می‌توانند با تمرکز بر فعالیت‌های اصلی و قانونی خود در جهت اجرای دقیق‌تر قوانین بانک مرکزی و سیاست‌های پولی گام بردارند (فهیمی، ۱۳۹۳، ص. ۶۹). از سوی دیگر برخی از خبرگان نظام بانکی معتقد هستند بنگاهداری نظام بانکی باعث سودآوری بیشتر این صنعت و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها شده است و حتی می‌تواند در برخی صنایع بزرگ کشور به کمک آن صنایع بیاید. نظر سومی هم در این میان وجود دارد، بدین ترتیب که در نظام‌های اقتصادی عمده‌تأ دولتی - همچون ایران -، برای ایجاد و گسترش صنایع بزرگ نیاز به کمک نظام بانکی است و این نظام باید در نقش یک بنگاه‌ساز ظاهر شود و پس از رسیدن به مرحله رشد، باید این بنگاه‌ها واگذار گردند. این اختلاف‌نظر خبرگان و ابهامات موجود پیرامون بحث نحوه و میزان اثرگذاری بنگاهداری در نظام بانکی و شرایط کلان اقتصادی کشور، انگیزه لازم برای انجام پژوهش حاضر را فراهم کرد. در این پژوهش سعی شده است با تأملی در منابع موجود و با بهره‌گیری از نظریات خبرگان نظام بانکی، به آسیب‌شناسی پدیده بنگاهداری نامتعارف، علل و عوامل، پیامدها و راهکارها پرداخته شود.

۱. مرور پیشینه‌ها (چارچوب نظری)

۱-۱. انواع بنگاه از نظر قانون کشور

بنگاه‌های اقتصادی از نظر مالکیت طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی، بخش تعاونی و بخش خصوصی و همچنین از نظر نوع فعالیت به سه

دسته واحدهای خدماتی، واحدهای بازرگانی و واحدهای تولیدی و از نظر نظام بانکی به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. بنگاه‌هایی که فعالیت بانکی دارند، مانند شعب.
۲. بنگاه‌های ابزاری که به فعالیت اصلی بانک کمک می‌نمایند، مانند صرافی.
۳. بنگاه‌ها و دارایی‌های قهری که به دلایل مختلف از جمله وصول مطالبات از دولت و یا مصالح ملی و در برخی موارد تکلیفی واگذار شده‌اند.
۴. بنگاه‌های انتفاعی که بانک‌ها به قصد سودآوری خریده و یا تأسیس کرده‌اند.
۵. اموال تملیکی که به دلیل عدم توانایی بازپرداخت مشتریان بانک در تملک بانک‌ها قرار گرفته‌اند (ربیع‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۱).

۲-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع بنگاهداری نظام بانکی پژوهش‌های معدودی انجام شده است که برخی بر اصل پدیده بنگاهداری تمرکز داشته و برخی به تأثیر پدیده بنگاهداری بر کیفیت عملکرد و سودآوری این نظام پرداخته‌اند. نتایج مهم‌ترین این پژوهش‌ها به شرح ذیل است:

مظاهری، شیرکوند و جمالی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر محدودیت فعالیت غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر کفایت سرمایه آنها در کشورهای در حال توسعه»، به بررسی تأثیر مقررات حاکم بر نوع فعالیت‌های غیربانکی و بنگاهداری بر عملکرد صنعت بانکداری در کشورهای در حال توسعه در بازه زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداخته‌اند. در این مقاله اثرات محدودیت فعالیت‌های غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر کفایت سرمایه اندازه‌گیری شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر فعالیت بانک‌ها در حوزه بازار سرمایه و بیمه تأثیر معناداری بر نسبت کفایت سرمایه ندارد. به علاوه، هرچقدر سخت‌گیری در مورد فعالیت بانک‌ها در حوزه املاک و مستغلات بیشتر شود، نسبت کفایت سرمایه به‌طور معناداری بهبود می‌یابد. در مقابل، افزایش سخت‌گیری در حوزه فعالیت‌های مالی

غیربانکی به‌طور کلی اثر منفی بر نسبت کفایت سرمایه دارد. همچنین افزایش شدت سخت‌گیری در خصوص فعالیت بنگاهداری، اثر منفی بر نسبت کفایت سرمایه دارد. شفیعی‌نژاد و شاهی‌سوق (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی به‌منظور گذار بانک‌ها از بنگاهداری به سمت بانکداری»، به بررسی مطالعه تطبیقی به‌منظور گذار بانک‌ها از بنگاهداری به سمت بانکداری در بانک قوامین پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها، ارتباط میان ساختار بازار و ضریب سودآوری در نظام بانکی ایران، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و بازده سهام بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس، تأثیر گسترش سهم بانک‌های خصوصی در نظام بانکی بر مطالبات معوق سیستم بانکی و تأثیر نوسانات بازار سهام بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار برگذر بانک قوامین از بنگاهداری مؤثر هستند.

قاسم‌زاده (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی اثر بنگاهداری بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران»، به تعیین نحوه اثرگذاری پدیده بنگاهداری بر میزان سودآوری نظام بانکی پرداخته است. در این تحقیق ضمن مرور بر ادبیات بنگاهداری و تبعات آن، این موضوع را در خصوص ۲۰ بانک خصوصی و شبه‌دولتی کشور بررسی نموده است. بر مبنای اطلاعاتی که در دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۳ جمع‌آوری و براساس روش اقتصادسنجی پانل دیتا تحلیل شد، آنچه به دست آمد حاکی از این است که بنگاهداری اثر معنی‌داری بر سودآوری بانک‌ها نداشته است.

افزودی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بنگاهداری بانک‌های منتخب (۱۳۸۷-۱۳۹۳)»، سعی در بررسی برخی از علل گسترش پدیده بنگاهداری دارد. وی با استخراج داده‌های موردنیاز برای ۲۰ بانک منتخب با استفاده از صورت‌های مالی بانک‌ها و برآورد مدل با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که بین متغیرهای انتخابی با میزان بنگاهداری بانک‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این تحقیق برخی دلایل گسترش این پدیده بیان شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید تحقیقات صورت گرفته به‌صورت منسجم به بررسی علل و عوامل ایجاد و پس‌از آن گسترش پدیده بنگاهداری نظام بانکی نمی‌پردازند. این

خلاً باعث گردید نویسندگان پژوهش حاضر تصمیم به نگارش تحقیقی در جهت شناسایی و استخراج عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران بگیرند. طبیعتاً این پدیده پیامدهایی دربر خواهد داشت که در ادامه به تبیین آنان می‌پردازیم. همچنین در این تحقیق از روش معادلات ساختاری بهره گرفته شد که این امر در پژوهش‌های پیشین صورت نگرفته بود. روش مدلسازی با نرم‌افزار Smart-pls مزیت‌های فراوانی (تخمین روابط چندگانه، قابلیت سنجش متغیرهای پنهان، محاسبه خطای اندازه‌گیری، قابلیت بررسی تأثیر هم خطی، آزمون روابط جعلی و غیرواقعی و...) را داراست. با مدلسازی در این نرم‌افزار نحوه تأثیر عوامل بر موضوع را می‌توان محاسبه نمود. نوآوری دیگر این پژوهش ارائه بازیگران پنهان براساس مدل ارائه شده در Smart-pls است. در پایان نیز برخی راهکارهای رفع این پدیده بیان گردید. از سوی دیگر رتبه‌بندی نیز برای عوامل ایجادکننده این پدیده ارائه گردیده است که می‌تواند به تصمیم‌گیری مدیران نظام بانکی برای رفع این پدیده کمک نماید.

۳-۱. تاریخچه و عملکرد نظام بانکی ایران

در سال‌های اخیر پدیده بنگاهداری بانک‌ها به یکی از پر بحث‌ترین موضوعات حوزه نظام بانکی کشور مبدل گردیده است و صاحب‌نظران و خبرگان از دیدگاه‌های متنوعی به ابراز نظر در این زمینه پرداخته‌اند. هرچند این پدیده در دهه اخیر موجب شده تا سهم بخش‌های اقتصادی از تسهیلات بانکی کاهش و به همان میزان سهم شرکت‌های با مالکیت بانک‌ها که عمدتاً نیز در بخش‌های خدماتی فعالیت می‌کنند، افزایش یابد ولی روند ایجاد این پدیده مربوط به دهه‌های قبل است. در پیش از انقلاب اسلامی با توجه به بودن منابع مالی کشور در دست قشر خاصی از جامعه و همچنین اهمیت روابط افراد با دربار، تمامی بانک‌های کشور یا در اختیار دربار بوده یا افراد نزدیک به دربار مجوز تأسیس بانک را دارا بودند. همین افراد به دلیل نزدیکی به قدرت مالکیت اکثر بنگاه‌های اقتصادی را نیز در اختیار داشتند. به همین دلیل اولویت اول بانک‌های آنان، تسهیلات‌دهی به قشر خاصی از بنگاه‌ها و اشخاص (حقوقی و حقیقی) بوده است. پس از انقلاب اسلامی هرچند دیدگاه غالب برقراری عدالت اجتماعی در ارائه خدمات مالی

به عامه مردم جامعه وجود داشت ولی با بروز حوادثی این روند کم‌رنگ گردید و باگذشت زمان پدیده بنگاهداری دوباره نمایان شد. اولین اتفاق زمینه‌ساز قانون ملی شدن بانک‌ها بود. بعد از انقلاب به خاطر خروج سرمایه‌های عظیم از کشور و عدم توانایی بانک‌ها جهت باز پس دادن سپرده‌های مردم، اعتماد مردم به بانک‌ها کاسته شد و بانک‌ها یکی پس از دیگری، در آستانه اعلام ورشکستگی بودند. این امر بدین خاطر بود که هجوم مردم به بانک‌ها در دوران انقلاب برای بازپس‌گیری سپرده‌های خود و مخصوصاً هجوم سپرده‌های عمده که غالباً سرمایه‌داران بزرگ بودند، در هیچ زمانی سابقه نداشت. لذا در تاریخ ۱۳۵۸/۰۳/۱۷ طبق مصوبه شورای انقلاب اسلامی، بانک‌های ایران، ملی اعلام شدند. با تصویب این قانون تمامی بانک‌های کشور تحت مالکیت دولت قرار گرفت و اولین زمینه‌های دست‌اندازی دولت به منابع بانکی و بدهکار شدن دولت به نظام بانکی شکل گرفت. اتفاق دوم تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در دی‌ماه همان سال بود. در این قانون تبصره «ج» ماده «۱» یک مربوط به تملیک دارایی‌های بدهکاران توسط دولت است. در این تبصره آمده است که کارخانجات و مؤسساتی که وام‌های قابل‌توجه برای احداث یا توسعه از بانک‌ها دریافت داشته‌اند، در صورتی که کل بدهی آنها از دارایی خالص آنان بالاتر باشد متعلق به دولت است و بقیه بدهی ایشان به‌عنوان طلب دولت و مردم به هر صورت که مقتضی باشد وصول خواهد شد. در صورتی که دارایی این واحدها بیشتر از مطالبات بانک‌ها و مردم باشد. دولت به‌عنوان یک سهامدار به نسبت مطالبات خود و مردم در مالکیت آن واحد سهام می‌شود. این بند زمینه تملیک بنگاه‌های اقتصادی فراوانی توسط دولت را فراهم کرد. پس‌از آن با شروع جنگ تحمیلی، دولت و کل نظام اقتصادی کشور تحت فشار شدیدی قرار گرفت و دولت بیش‌ازپیش مجبور به استفاده از منابع بانکی شد. در این زمان دولت که هرروز بر بدهی‌هایش به نظام بانکی افزوده می‌شد، برای کاهش دیون خود و همچنین سرپا شدن بنگاه‌های تملیک شده، این بنگاه‌ها را به اجبار به بانک‌ها واگذار می‌کرد تا این بنگاه‌ها با دسترسی به منابع بانک‌ها بتوانند زمینه رشد خود را فراهم کنند. پس از پایان جنگ و با روی کار آمدن دولت اصلاحات این روند نه تنها پایان نیافت، بلکه با افزایش فشار بر بانک‌ها با ادعای رونق اقتصادی بسیاری از

بانک‌های دولتی مجبور به تأسیس شرکت‌های جدید شدند. تا اینجا اجبار باعث رفتن بانک‌ها به سوی بنگاهداری شده بود ولی کم‌کم با توجه به نبود نهادهایی سرمایه‌گذار که با تجمیع منابع زمینه سرمایه‌گذاری را فراهم کنند، بانک‌ها که عرصه را بی‌رقیب دیده بودند، اقدام به افزایش میزان بنگاهداری خود کردند. افزایش بی‌رویه بنگاهداری بانک‌ها که هم بر میزان کارایی خود آنها و هم بر نظام اقتصادی کشور تأثیرات مخربی داشت، در دهه گذشته نتایج خود را نشان داده و اعتراض بسیاری از فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران را در پی داشته است. یقیناً اگر بانک‌ها حدود بنگاهداری را براساس قانون و با در نظر گرفتن سیاست‌های کلان اقتصادی رعایت می‌کردند، نه تنها شاهد پیامدهای نامطلوب این پدیده نبودیم بلکه می‌توانستیم با جهت‌دهی صحیح منابع و اعتبارات بانک‌ها به سمت بنگاه‌های اقتصادی شاهد یک شکوفایی اقتصادی پایدار باشیم. در واقع آنچه ناپسند بوده بنگاهداری نامتعارف است.

۴-۱. قوانین و مقررات

محیط حقوقی ناظر بر موضوع، شامل «قانون پولی و بانکی»، «قانون عملیات بانکی بدون ربا»، «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، «قوانین بودجه» و «بخشنامه‌های بانک مرکزی» است.

اولین اشاره به بحث ممنوعیت بنگاهداری و فعالیت‌های غیربانکی مربوط به ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸ و اصلاحات پس‌از آن) است. در این ماده در چهار بند اول تأکید شده که انجام عملیات زیر برای بانک‌ها ممنوع است:

۱. خرید و فروش کالا به منظور تجارت.
۲. معاملات غیرمنقول جز برای بانک‌هایی که هدف آنها انجام معاملات غیرمنقول است.
۳. خرید سهام و مشارکت در سرمایه یک یا چند شرکت و با خرید اوراق بهادار داخلی یا خارجی به حساب خود به میزانی بیش از آنچه بانک مرکزی

جمهوری اسلامی ایران به موجب دستورها با آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد.

۴. اعطای اعتبار به اعضای ارکان خود و مؤسساتی که اعضای مزبور در آن ذینفع هستند و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی بیش از آنچه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب دستورها با آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد.

این بندها به ممنوع نمودن برخی فعالیت‌های مرتبط با بحث بنگاهداری نموده است. البته حد و حدود این ممنوعیت تدقیق نشده است.

قانون مؤثر بعدی «دستورالعمل سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری» که موضوع بند (۳) ماده (۳۴) قانون پولی بانکی کشور است. طبق این دستورالعمل بانک‌ها می‌توانند مجموعاً ۴۰ درصد از سرمایه پایه خود را به صورت مستقیم، بی‌واسطه یا با واسطه سرمایه‌گذاری کنند، که البته همین دستورالعمل نیز ضوابطی دارد. از جمله این ضوابط این است که بانک‌ها نمی‌توانند بیش از ۱۰ درصد سرمایه پایه در شرکت‌های بورسی و بیش از ۵ درصد سرمایه پایه خود را در شرکت‌های غیر بورسی سرمایه‌گذاری کنند. همچنین سرمایه‌گذاری بانک‌ها برای کسب سود در شرکت‌ها نباید بیش از ۲۰ درصد سرمایه آن شرکت‌ها باشد و سرمایه‌گذاری بانک‌ها به منظور بهبود و تنوع خدمات مالی و بانکی خود در شرکت‌هایی مثل لیزینگ و سرمایه‌گذاری، نباید بیش از ۹۹ درصد سرمایه‌گذاری آن شرکت‌ها باشد. در این بین باید به دو مورد مهم اشاره کرد: مورد نخست مجموعه شرکت‌هایی که به نوعی مکمل فعالیت‌های بانکی بوده است، مانند صرافی‌ها و کارگزاری که در این زمینه میزان سهام بانک‌ها در شرکت‌های مذکور نباید از ۴۹ درصد تجاوز کند؛ زمینه دوم فعالیت مجاز بانک‌ها این است که می‌تواند به عنوان خرده سهام در بازار خرید و فروش انجام دهد که سقف مجاز تعیین شده در این زمینه نیز معادل ۴۰ درصد سرمایه پایه تعیین شده است (افزودی، ۱۳۹۴، ص. ۲۱).

در ادامه بحث لازم است تفکیکی بین بنگاهداری بانک‌ها و دارایی ثابت انجام شود تا مشخص شود که کدام دارایی بانک‌ها مصداق بنگاهداری است و کدام دارایی جزء دارایی‌های ثابت بانک‌ها دسته‌بندی می‌گردد. در مورد دارایی‌های ثابت براساس

بخشنامه نظارتی به شماره ۹۴/۶۲۱۴۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری مکلف شده‌اند ظرف مدت سه سال از تاریخ ابلاغ، حداقل هر سه سال ۳۳ درصد از مازاد دارایی‌های ثابت خود را تا رسیدن به حد مقرر (۷۵ درصد) واگذار نمایند. بنابراین حد مجاز نگهداری دارایی‌های ثابت هر بانک این‌گونه محاسبه می‌شود که مجموع دارایی‌های ثابت مشهود، نامشهود، ارقام اجاره‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های خریداری‌شده از طریق تسهیلات اجاره به شرط تملیک، وثایق تملیکی و ودایع پرداختی بابت اجاره عملیاتی دارایی‌های ثابت مشهود به نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام پس از کسر سود قطعی نشده و سود انباشته حداکثر ۷۵ درصد است و فراتر از آن تخلف محسوب می‌شود. در محاسبه نسبت مذکور مانده مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود از مبالغ صورت و مخرج کسر می‌شود.

در ارتباط با بنگاهداری نیز بخشنامه ۹۶/۶۱۲۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۱ مستند به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور تکلیف سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را مشخص کرده است. براساس مفاد بند «ب» ماده (۱۶) قانون مذکور «کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظف‌اند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا مدت سه سال سهام تحت تملک خود و شرکت‌های تابعه خود را در بنگاه‌هایی که فعالیت‌های غیربانکی انجام می‌دهند، به‌استثنای طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های تابعه واگذار کنند. طبق بند «پ» این ماده، عایدی املاک غیرمنقول مازاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری شامل زمین، مستغلات، سرقفلی و اموال مشابه آن در سال ۱۳۹۵ با نرخ بیست‌وهشت درصد مشمول مالیات می‌شود. پس‌از آن، هر سال سه واحد درصد به نرخ مذکور اضافه می‌شود تا به پنجاه‌وپنج درصد برسد. همچنین طبق این قانون، بانک‌ها موظف شده‌اند سهام شرکت‌های غیر مرتبط با فعالیت‌های بانکداری را واگذار کنند.

همچنین مجلس شورای اسلامی طرح یک فوریتی الحاق هفت بند به ماده (۳۴) قانون پولی و مالی کشور را در ۱۳۹۳/۰۶/۲۵ به تصویب رساند، که بند اول و دوم موضوع بنگاهداری بانکها را هدف گرفته است.

بند اول کلیه بانکها و مؤسسات مالی، پولی و اعتباری از داشتن شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارخانه‌داری، شرکت‌داری و بنگاهداری، به‌استثنای شرکت‌هایی که اجرای صحیح عقود مبادله‌ای و مشارکتی و جعاله مستلزم وجود آنها است، ممنوع می‌شوند و باید فقط فعالیت بانکداری داشته باشند و مکلف‌اند حداکثر ظرف یک سال شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارخانه‌ها و بنگاه‌های خود را واگذار کنند و بانک مرکزی موظف به نظارت بر تحقق این امر است.

بند دوم کلیه بانکها با مؤسسات مالی، پولی و اعتباری از خرید و فروش سکه، ارز، زمین، مسکن، مغازه و سهام بورس، مگر به اندازه مصرف داخلی و در حد عرف مورد تأیید شورای پول و اعتبار، ممنوع هستند.

چند نکته قابل توجه:

- نکته اول: اینکه بانکها می‌توانند نسبتی از سرمایه خود را به بنگاهداری اختصاص دهند. این مجوز را قانون‌گذار و مقام ناظر به بانکها داده است. می‌توان گفت بنگاهداری بر بستر قانونی شکل گرفته و به دلیل عدم نظارت کافی از محدوده قانونی خود خارج شده است. به استناد بند (۳) ماده (۳۴) قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، بانکها به خرید سهام و مشارکت در سرمایه‌گذاری یک یا چند شرکت و خریداری اوراق بهادار به حساب خود به میزانی در محدوده تعیین شده بانک مرکزی مجاز شده‌اند. بر این اساس بانکها می‌توانند تحت نظارت بانک مرکزی به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری روی بیاورند.
- نکته دوم: اینکه در قوانین پولی و بانکی کشور عنوانی تحت نام گروه مالی تعریف نشده است و مجوز صادر شده برای بانکها از سوی بانک مرکزی ناظر به انجام فعالیت‌های بانکی در قالب یک واحد مالی به نام بانک است و نه یک گروه مالی؛ بنابراین با تخلف بانک‌های بنگاهدار همواره خلأ نظارتی بین فعالیت‌های

گروه مالی و بانک مرکزی وجود خواهد داشت؛ چراکه بانک مرکزی ناظر بر فعالیت‌های بانکی است نه فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه که طیف گسترده‌ای اعم از معدن، نفت و تجارت کالاهای اساسی و... را شامل می‌شود.

- نکته سوم: بیان می‌کند که هرچند براساس دستورالعمل سرمایه‌گذاری بانک‌ها این امکان برای بانک‌ها وجود دارد که به انگیزه کسب سود یا تسهیل در خدمات‌رسانی و حفظ اسرار حرفه‌ای در قالب عقود نظیر مشارکت مدنی، سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی اقدام به فعالیت‌های اقتصادی در قالب شرکت کنند، ولی براساس همین قوانین موجود نکاتی چند مغفول مانده است. از جمله اینکه انجام فعالیت‌های شرکتی مشروط به رعایت سقف نسبت‌های مشارکت و نیز انجام فعالیت‌های مرتبط با موضوع تأسیس بانک است.

- نکته چهارم: به عدم الزام برای شفاف‌سازی عمومی نظام بانکی اشاره دارد. در متن قانون به این مطلب اشاره شده است که بانک‌ها باید اطلاعات خود را در بازه‌های زمانی مشخص به‌روز کرده و در اختیار بانک مرکزی قرار دهند و یا عنوان شده است که باید تعداد شعب بانک‌ها مشخص و مبتنی بر قانون تعداد شعب باشد؛ اما هیچ‌گاه این شفافیت اطلاعاتی و در دسترس بودن دستورالعمل‌ها ممکن نشده و معیار صحیحی برای بررسی روند فعالیت نظام بانکی در دسترس نبوده است.

- در بند اول الحاقیه مصوب مجلس شورای اسلامی به بانک‌ها اجازه داشتن شرکت‌هایی که اجرای صحیح عقود مبادله‌ای و مشارکتی و جعاله مستلزم وجود آنها است نیز داده شده است. دادن این اجازه بدون تعیین دقیق مصادیق و چارچوب فعلیتی این شرکت‌ها می‌تواند زمینه را برای زدن قانون توسط بانک‌ها فراهم نماید؛ چراکه بانک می‌تواند با تأسیس یک شرکت با مشخصات بالا که بنابر متن الحاقیه قانونی هم هست اقدام به بنگاهداری و فعالیت سوداگرانه کند.

۵-۱. تجربیات و قوانین سایر کشورها

در سال ۱۹۳۳ میلادی، در دورانی که بازار سهام و بانک‌های تجاری در ایالات متحده در حال سقوط بودند و رکود بزرگ در جریان بود، دو تن از اعضای کنگره آمریکا

نام‌شان را روی برنامه‌ای گذاشتند که به قانون گلس - استیگال^۱ شناخته می‌شود. این قانون، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بانکداری را از یکدیگر جدا می‌کرد. در آن زمان، بانکداری نامناسب یا چیزی که به‌عنوان درگیری بیش‌ازحد بانک‌های تجاری در سرمایه‌گذاری در بازار سهام در نظر گرفته می‌شد، به‌عنوان مقصر اصلی سقوط بازار سهام معرفی می‌شد. قانون گلس - استیگال به‌عنوان یک واکنش جامع به بزرگ‌ترین بحران مالی، یک دیوار امن بین فعالیت‌های بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری کشید و فعالیت‌های هر دو دسته این بانک‌ها تحت کنترل درآمد، به‌طوری‌که نتوانند خارج از قوانین عمل کنند. حدود نیم‌قرن بعد در دوره دولت ریگان بود که صنعت بانکداری عنوان کرد که قانون گلس استیگال باعث محدودیت بیش‌ازحد آنها شده است. آنها مدعی بودند که در اثر این قانون نمی‌توانند با شرکت‌های مالی خارجی که بازدهی بالاتری دارند، رقابت کنند. تلاش‌های زیادی برای لغو این قانون از سوی بانکداران آمریکایی از طریق لابی‌گری فراوان با سیاست‌مداران این کشور صورت گرفت. سرانجام با تلاش سیتی‌گروپ^۲ برای دور زدن گلس - استیگال از طریق مذاکرات برای ادغام با شرکت بیمه تراولرز کمپانی^۳ طرح لغو این قانون آغاز شد. در سال ۱۹۹۸ این ادغام تحت یک شرکت جدید به نام گروه مالی سیتی‌گروپ انجام شد. در نهایت در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۹، کلبیتون قانون نوسازی خدمات مالی را امضا کرد که گلس - استیگال را لغو کرد. آنان برای اینکار قانون گرام - لیچ - بلایلی^۴ را در نظر گرفتند. این قانون امکان ایجاد شرکت‌های هلدینگ مالی را فراهم کرد که بتوانند صاحب بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری با شرکت‌های بیمه به‌عنوان شرکت‌های وابسته باشند. در عوض آنان اختیارات نظارتی زیادی را به کمیسیون بورس اوراق بهادار^۵ دادند تا بر کلیه فعالیت‌های بانک‌های سرمایه‌گذاری نظارت کند. این اختیارات تقریباً هر جنبه‌ای از سرمایه‌گذاری بانکی را تحت نظر دارد. البته پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ دوباره بحث لزوم تصویب مجدد قوانین سخت‌گیرانه بر سرمایه‌گذاری بانک‌ها مطرح گردید. در واقع می‌توان دریافت که اجازه بنگاهداری به بانک‌ها به شکل محدود و تحت نظارت داده‌شده است. به‌طور مثال به بانک‌ها پیشنهاد شد به‌جای سرمایه‌گذاری مستقیم در سهام، آنان می‌توانند صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری را

ایجاد کرده و از طریق آنان در سهام سرمایه‌گذاری نمایند. اینکار ریسک سرمایه‌گذاری را کم کرده و در صورت ضرر صندوق‌ها، موج بحران با یک تأخیر به بانک می‌رسد. به‌کارگیری این چنین پیشنهادهایی به همراه نظارت دقیق و مدام زمینه بروز بحران را کاهش داده است. در همین راستا دولت ایالات متحده در سال ۲۰۰۹، قانونی را به مجالس آمریکا پیشنهاد داد که بنا بود برای ثبات مالی، برقراری شفافیت و مسئولیت‌پذیری نظام مالی و پایان دادن به این تصور که برخی نهادها بزرگ‌تر از آن هستند که شکست بخورند، عمل کند. این قانون که «داد-فرانک»^۶ نام گرفت با عنوان «اصلاح وال‌استریت و حمایت از مصرف‌کنندگان» در ۲۱ جولای ۲۰۱۰ توسط اوپاما امضا گردید. این قانون برای بازنگری نظام نظارتی و تنظیمی ایالات متحده در برخی از حوزه‌ها شامل حمایت از مصرف‌کننده، محدودیت‌های معامله، رتبه‌بندی اعتباری، نظارت و تنظیم محصولات مالی، راهبری شرکتی، افشا و شفافیت ایفا گردید. این قانون در پی بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ برای جلوگیری از بروز بحرانی مجدد در مؤسسات مالی همچون لمن-برادرز و در پی آن گسترش بحران در کشور و تغییر در نظام نظارتی آمریکا به تصویب رسید. در سال ۲۰۰۸، دولت اوپاما برای شکستن تصویری موسوم به «آنقدر بزرگ که ورشکسته نخواهد شد» در میان عموم مردم و قیدوبند زدن به بانک‌ها، صندوق‌های پوششی، مشاوران سرمایه‌گذاری، مشتقات اعتباری و دیگر نهادها و ابزارهای مالی موجود در فضای مالی آمریکا قوانینی را برای تغییر در نظام تنظیم و نظارت مالی آمریکا به کنگره و همچنین مجلس عوام ارائه کرد. بعداً به این قانون الحاقیه‌ای افزوده شد که موضوع آن، ایجاد موازین و ضوابطی برای معامله‌گری بانک‌ها در حوزه‌هایی غیر از مأموریت اصلی ایشان بود؛ به‌عنوان مثال می‌توان به معامله‌گری و ورود بانک‌ها به بخش صندوق‌های پرمخاطره پوششی و صندوق‌های اختصاصی سهام اشاره کرد. موضوع این قانون با موضوع بنگاهداری بانک‌ها در کشور ما ارتباط نزدیکی دارد. بر مبنای این قانون، بانک‌ها حق «معامله‌گری اختصاصی» ندارند. موضوع این قانون، ایجاد موازین و ضوابطی برای معامله‌گری بانک‌ها در حوزه‌هایی غیر از مأموریت اصلی ایشان است؛ که به‌عنوان مثال می‌توان از معامله‌گری و ورود بانک‌ها به بخش صندوق‌های پرمخاطره پوششی^۷ و اختصاصی سهام^۸ نام برد. بر

مبنای این قانون که به نام «وکر» شناخته می‌شود، بانک‌ها حق «معامله‌گری اختصاصی» ندارند و این قانون بانک‌ها و شرکت‌های فرعی آنها را از سرمایه‌گذاری در صندوق‌های پوششی و اختصاصی سهام منع می‌کند. همچنین این قانون، مؤسسات غیربانکی را که در فعالیت‌های معامله‌گری مورد بحث وارد شده‌اند، مشمول ضوابطی می‌گرداند. براساس مصوبه کنگره، این قانون بانک‌ها را محدود می‌کند تا حداکثر ۳ درصد بتوانند در صندوق‌های پوششی و اختصاصی سهام سرمایه‌گذاری کنند. با وجود این، در این قانون برخی نهادها و موارد سرمایه‌گذاری استثنا شده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌شود به اوراق شهرداری‌ها و اوراق خزانه‌داری آمریکا اشاره کرد. قانون وکر به بانک‌ها و مؤسسات دیگر ۷ سال فرصت داده است تا خود را با چارچوب‌های تعیین شده تطبیق دهند. سرانجام پس از اصلاحات متعدد و مذاکرات فراوان درباره قانون وکر، نسخه نهایی آن در اواخر سال ۲۰۱۳ به تصویب رسید و قرار بوده است که از ابتدای آوریل ۲۰۱۴ این قانون اجرایی شود. تبعات و تأثیرات قانون وکر باعث شد که در اواسط سال ۲۰۱۴ بر مبنای دعاوی که بانک آمریکا و بانک جی پی مورگان مطرح کردند، اصلاحاتی مجدداً بر قانون وکر اعمال شد. به‌طور کلی به نظر می‌رسد این قانون از آنجاکه محدودکننده برخی فعالیت‌های سودجویانه بانک‌هاست، این نهادها به راحتی قصد ندارند تن به پذیرش آن بدهند و از طرق مختلف برای به تأخیر انداختن اجرای آن تلاش می‌کنند. از سوی دیگر پس از بحران سال ۲۰۰۸ اروپا نیز خواستار آن شده است که قوانین مشابهی برای فعالیت نهادهای اعتباری و مالی این قاره تصویب و اجرایی شود. بر این مبنای سال ۲۰۱۲ تلاش‌هایی در سطح بانک مرکزی اروپا^۹ در مسیر ضابطه‌مند کردن فعالیت‌های سوداگرانه بانک‌ها در حال پیگیری است.

۲. مواد و روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از جهت گردآوری داده‌ها، توصیفی است. چالش‌های مربوطه از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های مکتوب خبرگان شامل مدیران بانکی، اعضای هیأت علمی گروه مالی دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، کارشناسان پژوهشکده پولی و بانکی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی استخراج شده است. پس از آن منتخب چالش‌ها در قالب پرسشنامه طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای در اختیار خبرگان قرار داده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان و محققان حوزه نظام بانکی بوده است. پرسشنامه مذکور در میان جامعه آمار توزیع شده و در نهایت ۳۰ پاسخ پرسشنامه دریافت و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت (از این ۳۰ پاسخ‌دهنده، ۱۵ نفر دارای تحصیلات دکتری و ۱۵ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند). پس از آن به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری بهره گرفته شد. در تحلیل داده‌ها با استفاده از معادلات ساختاری، دو روش وجود دارد: روش اول که مبتنی بر نرم‌افزارهای Amos و Lisrel است و در مواردی کاربرد دارد که: الف) حجم نمونه بالا باشد. ب) متغیرها حالت نرمال داشته باشند. ج) مدل اندازه‌گیری از نسبت به مدل ساختاری اهمیت بیشتری برخوردار باشد. با توجه به اینکه این روش بر ساختارهای کوواریانس میان متغیرها مبتنی است و در هنگام محاسبات خطاهایی را برای هر یک از متغیرهای مشاهده‌شده در نظر می‌گیرد، از دقت بالاتری نسبت به روش حداقل مربعات جزئی برخوردار است؛ اما روش حداقل مربعات جزئی (PLS) که در واقع بر ساختارهای واریانس مبتنی است، در مواقعی کاربرد دارد که حجم نمونه پایین بوده و مدل ساختاری نسبت به مدل اندازه‌گیری از اهمیت بالاتری برخوردار باشد (حمدیان‌پور، شفیعی و دهقانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۹). با توجه به موارد فوق و شرایط حاکم بر نمونه و مدل مفروض مطالعه حاضر و اهمیتی که مدل ساختاری برای مطالعه حاضر داشت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. برای بررسی مدل مفهومی مطالعه با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS، دو مورد را باید در نظر داشت: نخست، مدل اندازه‌گیری و دوم، مدل ساختاری. برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری باید به ضرایبی چون ضریب آلفای کرونباخ و ضریب اشتراک توجه نمود. در صورتی که میزان آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ و میزان ضریب اشتراک نیز بالاتر از ۰/۵ باشد، مدل اندازه‌گیری از برازش مطلوبی برخوردار است (مصلح، بحرینی‌زاده و الله‌یاری، ۱۳۹۲، ص. ۲۷).

۳. یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های تحقیق ۱۳ عامل به‌عنوان مهم‌ترین علل مؤثر بر این بحث شناخته شد که به شرح ذیل است:

۳-۱. نااطمینانی و بی‌ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی

نااطمینانی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن احتمال وقوع حوادث آتی را نمی‌توان مشخص ساخت. به بیان دیگر نااطمینانی مربوط به فقدان اطلاعات در مورد نتیجه است. بی‌ثباتی نیز از تغییرپذیری متغیرها ناشی می‌شود و یک مفهوم کاملاً آماری است. اگر عوامل اقتصادی نتوانند یک متغیر کلان مانند تولید یا تورم را به‌طور کامل پیش‌بینی کنند، نااطمینانی برای آن متغیر به وجود می‌آید (گلمرادی و محسنی و گلمرادی، ۱۳۹۶، ص. ۳۴). نااطمینانی و بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی باعث می‌گردد که نظام بانکی اطمینان لازم برای تسهیلات‌دهی تام به درخواست‌کنندگان منابع را نداشته باشد و سعی کند که پول در اختیار خود را در محل‌هایی سرمایه‌گذاری کند که اطمینان به بازگشت سرمایه داشته باشد. از سوی دیگر نظام بانکی با قرار گرفتن در شرایط نامطلوب جهت فعالیت در حوزه تخصصی خود، به‌ناچار به سمت ورود مستقیم به فعالیت در انواع رشته‌های اقتصادی سوق داده شده است. در واقع بانک‌ها به‌جای واسطه‌گری خود، روی به فعالیت اقتصادی آورده‌اند. به همین دلیل بسیاری از بانک‌ها اقدام به صرف منابع خود در حوزه‌هایی غیر از تسهیلات‌دهی می‌کنند.

۳-۲. سرکوب نرخ سود تسهیلات بانکی

یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌هایی که برای بنگاهداری بانک‌ها عنوان می‌شود، نامتناسب بودن نرخ سود تسهیلات است. بانک‌ها ناگزیرند برای اینکه سود سپرده‌ها را پرداخت کنند، در بخش‌های غیرمولد نیز سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام دهند. همچنین از آنجاکه نرخ سود سپرده‌گذاری و تسهیلات بانکی از تورم پایین‌تر است، حفظ ارزش سپرده‌های جمع‌آوری‌شده از راه‌هایی مانند بنگاهداری انجام می‌شود (دیانتی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۴). از طرفی نباید فراموش کرد که متأسفانه فرهنگ دریافت سود سپرده در کشور طی سال‌های گذشته تقویت شده و مردم تنها درازای پرداخت سودهای بالا

اقدام به سپرده‌گذاری در بانک‌ها می‌کنند؛ از طرف دیگر بانک‌ها نیز در دریافت سودهای سپرده بانکی با دیگر بانک‌ها رقابت می‌کنند اما این رقابت منجر به تولید و اشتغال‌زایی نشده و تمام سپرده‌گذارها درصدد دریافت کارمزد هستند (توکلی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۱). با توجه به دو مطلب مذکور و همچنین بالا بودن نرخ تورم بانک‌ها بنگاهداری را به‌عنوان یک راه‌حل انتخاب می‌کنند.

۳-۳. تسهیلات تکلیفی و عدم اجازه به ارزیابی تسهیلات گیرندگان

برخی از زمینه‌های ورود بانک‌ها (به‌خصوص بانک‌های دولتی) به بنگاهداری به‌طور ناخواسته و براساس سیاست‌های تکلیفی دولت مبنی بر حمایت از بخش تولید بوده است. الزام دولت به حمایت بانک‌ها از طریق واگذاری سهام مدیریتی بنگاه‌های تولیدی تحت شرایط خاص اقتصادی و در مقاطع زمانی مختلف، سبب شده تا بانک‌ها بنا بر ضرورت بخشی از فعالیت خود را به بنگاهداری اختصاص دهند (بهمنی، ۱۳۹۵، ص. ۲). سیاست‌های تکلیفی دولت و نگاه دولت‌ها به بانک‌ها به‌عنوان قلمک تأمین اعتبار سیاست‌های دولت‌ها، باعث شده عملاً بانک‌ها برای جبران خساراتی که از اجرای این سیاست‌ها به آنها وارد می‌شود، به فعالیت‌هایی روی بیاورند که لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کرده است.

۳-۴. واگذاری شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به ازای دیون دولت به نظام بانکی

دولت که به دلایل مختلف و برای انجام وظایف خود ناچار به استفاده از منابع بانکی بوده و تبدیل به بدهکار بزرگ بانکی شده است، اما از آنجاکه قادر به بازپرداخت دیون خود نیست و اموال بسیار زیادی را در تملک دارد با انتقال مالکیت این اموال و بنگاه‌ها به بانک‌ها تا اندازه‌ای بدهی خود را کاهش می‌دهد. این روش نادرست تسویه بدهی که عواقب سوء زیادی داشته است باعث مجبور شدن بانک‌ها به بنگاهداری شده است. از همین‌رو بسیاری از کارشناسان بر این باور هستند که از دلایل اصلی بنگاهداری بانک‌ها، رد دیون دولت بوده است. به گفته معاون نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دولت فقط در سال ۱۳۹۳ برای رد دیون خود، بنگاه‌ها و املاکی را به

ارزش دو هزار میلیارد تومان به بانک‌ها واگذار کرده که این موضوع از ناچار بودن بانک‌ها حکایت دارد (مسگری، ۱۳۹۴، ص. ۷).

۳-۵. خلأ و فقدان قوانین و مقررات نظارتی در کشور

نبود قوانین و مقررات نظارتی دقیق و کامل یکی از مشکلات نظام بانکی کشور است. در واقع چارچوب قوانین نظارتی حوزه بانکداری دارای خلل و فرجی است که این نقص هم باعث شده ناظر نظام بانکی در برخی موارد نداند دقیقاً باید چگونه و بر چه نظارت کند و هم بانک‌ها ندانند چه مواردی را باید رعایت کنند. در زمینه بنگاهداری نظام بانکی هرچند قانون، بخشنامه و دستورالعمل وضع شده است، ولی هنوز ابهامات و تعارضاتی در متن قوانین و مقررات وجود دارد.

۳-۶. دور زدن قوانین توسط بانک‌ها

برخی بانک‌ها یاد گرفته‌اند که تمامی ضوابط قانونی و بخشنامه‌هایی که وجود دارد را با تأسیس شرکت‌های زیرمجموعه وابسته به خود دور بزنند و هر جا که با منع قانونی برای فعالیت مواجه می‌شوند، در قالب شرکت‌های زیرمجموعه بانک، آن فعالیت را انجام می‌دهند. این بانک‌ها با توجه به اینکه بنگاهداری سود بیشتری در مقابل کارمزد دریافتی در برابر ارائه بانکی دارد، پیوسته به دنبال این هستند که از طریق فعالیت‌های غیرمستقیم و شرکت‌های زیرمجموعه کسب سود نمایند. البته این مورد مختص کشورمان نیست و مثال‌هایی از این رفتار در دوره قانون گلس-استیگال در آمریکا نیز وجود داشت که نهایتاً با لابی‌گری بانک‌ها منجر به لغو این قانون گردید.

۳-۷. ضعف بانک مرکزی در برخورد با متخلفین

یک علت مهم بنگاهداری نظارت ضعیف بر شبکه بانکی کشور در خصوص اجرای بخشنامه بانک مرکزی است. از طرفی بانک مرکزی توان اجرایی لازم برای نظارت بر شبکه بانکی را ندارد. مسئولین بانک مرکزی در سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند با صدور بخش‌نامه و دستورالعمل‌هایی این ضعف را پوشش دهند، غافل از آنکه مهم‌تر از صدور بخش‌نامه، وجود توان نظارت بر اجرای صحیح است. گام بعدی برخورد با متخلفین است. باید توجه داشت صرف نظارت بدون برخورد بازدارنده با متخلفان،

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در.../رضا کریمی وردجانی و دیگران **تجربیات بازرگانی** ۳۹۵

نمی‌تواند جلوی بنگاهداری را بگیرد. نیاز است بانک مرکزی علاوه بر نظارت دقیق و مستمر، با بانک‌هایی که حدود قانونی این بحث را رعایت نکرده‌اند برخورد کند تا سایر بانک‌ها نیز تمایلی برای ورود به این مسأله را نداشته باشند.

۳-۸. اجازه و تشویق بانک‌ها برای حضور گسترده در بازار سرمایه

دلیل دیگر ورود بانک‌ها به بنگاهداری این بود که در بازه‌ای از زمان که بازار سرمایه توسعه آن‌چنانی نداشت، به بانک‌ها این اجازه داده شد تا در راستای حمایت از بازار سرمایه، سهام عمده شرکت‌های مختلف را بخرند یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری را تأسیس کنند و با گذر زمان این شرکت‌ها واگذار شوند، برای مثال شرکت سرمایه‌گذاری غدیر باهدف ورود به بازار سرمایه، بازار سازی، خریدوفروش سهام و درمجموع ایجاد رونق برای بازار سرمایه از سوی بانک صادرات ایجاد شد. همین تشویق نظام بانکی در دهه ۸۰ باعث زمینه‌سازی ورود بانک‌ها به مسأله بنگاهداری گردید.

۳-۹. بانکداری بنگاه‌ها

ضعف‌های قانونی در زمینه تأسیس بانک‌ها و مهم‌تر از آن در زمینه مدیریت بانک‌ها و نبود نظارت کافی بر مؤسسات مالی باعث شده است که بسیاری از شرکت‌های بزرگ و حتی نهادهای دولتی به فکر تأسیس یک بانک باشند. به‌عنوان مثال بانک دی برای بنیاد شهید، بانک شهر برای شهرداری تهران، بانک حکمت ایرانیان برای ارتش، بانک قوامین برای نیروی انتظامی، بانک سینا برای بنیاد مستضعفان هستند. درواقع هر شخص حقیقی با تأسیس یک بانک به‌راحتی می‌تواند به دریای سپرده‌های جذبی دسترسی داشته باشد و به حجم عظیمی از سرمایه سپرده‌گذاران دست یابد.

۳-۱۰. بازدهی بالاتر بازارهای موازی

بازدهی بالای بازارهای موازی باعث گردیده نظام بانکی تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در این بازارها برای کسب سود بالا به‌جای پرداخت تسهیلات داشته باشد. در اکثر

موارد بانک‌ها با تأسیس یا استفاده از شرکت‌های زیرمجموعه خود اقدام به بنگاهداری در بازارهای موازی همچون مسکن، خودرو و... می‌کنند و به کسب سود می‌پردازند.

۱۱-۳. وثایق تسهیلات و مطالبات معوق

موضوع دیگری که می‌تواند بانک‌ها را به سمت بنگاهداری سوق دهد، مشکلات وصول مطالبات و فروش مال مرهونه است. متأسفانه در این زمینه خلأهای بسیاری وجود دارد و این کمبودها باعث شده است که روند بازگشت منابع بانکی بسیار سخت و طولانی مدت شود (دیانتی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۴). در واقع علت اصلی بروز مشکل در تملیک وثایق و بازنگشتن تسهیلات، فقدان سازوکار صحیح برای ارزش‌گذاری صحیح وثایق و اعتبارسنجی تضامین، نبود ساختار مناسب در نظام بانکی و... برای حل مشکل مطالبات است. از سویی سایر نهادها و همچنین قوانین کشور آن‌چنان‌که باید به این مسأله نمی‌کنند؛ بنابراین بانک‌ها توانایی بازپس‌گیری مطالبات معوق خود را ندارند و مطالبات معوق نظام بانک به حجم و ابعادی رسیده است که تبدیل به یک بحث روز در میان عامه مردم گردیده است و بانک‌ها و مؤسسات مالی برای گریز از این ریسک و سودآوری با ورود به بنگاهداری، به‌ناچار از فعالیت اصلی خود فاصله بیشتری خواهند گرفت (احرامیان، ۱۳۹۳، ص. ۶۶).

۱۲-۳. مدیران غیرمتخصص

تعیین و تأیید مدیران غیرمتخصص به‌عنوان مدیران عامل و هیأت مدیره بانک‌ها و برخی اوقات نادیده گرفتن تخصصانی که در شبکه بانکی وجود دارند، در سالیان اخیر لطماتی به شبکه بانکی کشور وارد کرده است. این مدیران غیرمتخصص به دلیل ناکافی بودن دانش مالی، فعالیت‌های سوداگرانه برای افزایش سودآوری را بر فعالیت‌های ذاتی نظام بانکی ترجیح می‌دهند و به سراغ اموری همچون بنگاهداری خواهند رفت.

۱۳-۳. عدم کفایت کارمزد واسطه‌گری وجوه

با نگاهی به ساختار مقررات و قوانین حاکم بر بانکداری کشور می‌بینیم که هنوز هزینه عملیات بانکداری در کشورمان به نسبت متوسط جهانی -مخصوصاً در زمینه تسهیلات

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در.../رضا کریمی وردجانی و دیگران **تجربیات بازرگانی** ۳۹۷

و بازپرداخت آن- از نسبت بالایی برخوردار است. میزان کارمزد خدمات بانکی واسطه‌گری به واسطه دولت و بانک مرکزی پایین‌تر از حدانتظار تعیین شده است. از سوی دیگر هزینه‌های عملیاتی بانک‌ها نیز بالا است و این هزینه‌ها از میزان سود بانک می‌کاهد. نتیجه آن می‌گردد که نظام بانکی دریافتی است که درآمد واسطه‌گری وجوه پایین است و برای کسب سود مناسب باید به فعالیت‌های غیربانکی دست بزنند. یافته‌های مدل پژوهش در جدول (۱) آمده است. در این جدول، هریک از عوامل به همراه بار عاملی و نتیجه ارزیابی آن مبنی بر پذیرش یا رد نشان داده شده است.

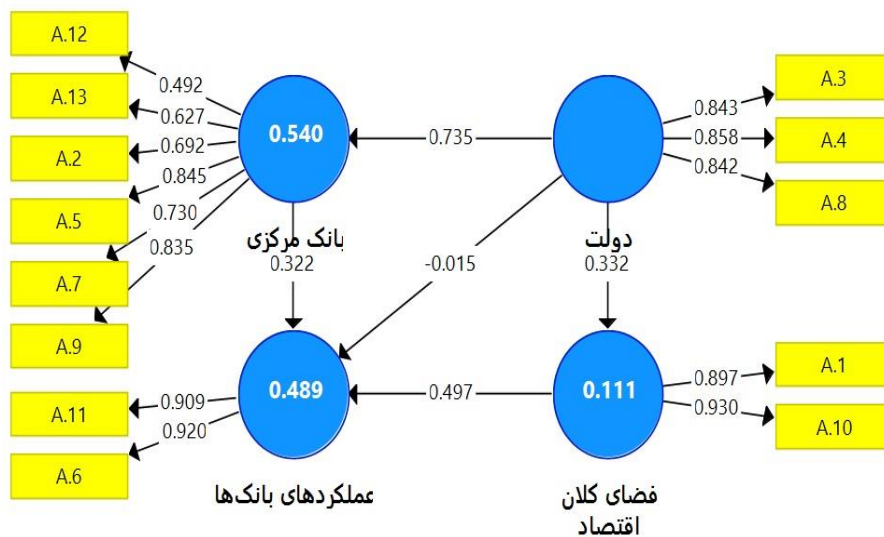
**جدول (۱): بارهای عاملی مؤثر بر بنگاهداری بانک‌ها
(متغیرهای آشکار) به بانک‌های کشور**

متغیر پنهان	کد سؤال	متغیرهای آشکار	بار عاملی	رتبه	پذیرش
بانک مرکزی	A.2	نامناسب بودن نرخ سود تسهیلات بانکی	۰,۶۹	۱۱	تأیید
	A.5	خلأ و فقدان قوانین و مقررات نظارتی در کشور	۰,۸۴	۶	تأیید
	A.7	ضعف بانک مرکزی در نظارت و برخورد با متخلفین	۰,۷۳	۱۰	تأیید
	A.9	بانگداری بنگاه‌ها	۰,۸۳	۹	تأیید
	A.12	مدیران غیرمتخصص	۰,۴۹	۱۳	رد
	A.13	عدم کفایت کارمزد واسطه‌گری وجوه	۰,۶۳	۱۲	رد
دولت	A.3	تسهیلات تکلیفی و عدم اجازه به ارزیابی تسهیلات گیرندگان	۰,۸۴	۷	تأیید
	A.4	واگذاری شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به ازای دیون دولت به نظام بانکی	۰,۸۶	۵	تأیید
	A.8	اجازه و تشویق بانک‌ها برای حضور گسترده در بازار سرمایه	۰,۸۴	۸	تأیید

متغیر پنهان	کد سؤال	متغیرهای آشکار	بار عاملی	رتبه	پذیرش
عملکردهای بانکها	A.6	دور زدن قوانین توسط بانکها	۰,۹۲	۲	رد
	A.11	وثایق تسهیلات و مطالبات معوق	۰,۹۱	۳	تأیید
فضای کلان اقتصاد	A.1	نااطمینانی و بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی	۰,۹۰	۴	تأیید
	A.10	بازدهی بالاتر بازارهای موازی	۰,۹۳	۱	تأیید

منبع: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج، از ۱۳ عامل مؤثر بر ایجاد بنگاهداری نظام بانکی کشور، ۱۰ عامل مورد تأیید خبرگان قرار گرفت. در شکل (۱) خروجی نرم‌افزار Smart-pls که نشان‌دهنده بارهای عاملی به همراه ضرایب مسیر بین متغیرهای است.



شکل (۱): ضرایب مسیر متغیرهای پنهان و بارهای عاملی متغیرهای آشکار

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. ارزیابی مدل و روش پژوهش

۴-۱. روایی و اعتبار پرسشنامه

در این مطالعه، برای بررسی پایایی سؤالات پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که این مقدار برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ بوده که بیانگر پایایی مناسب کل پرسشنامه است. سپس به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه، پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار Smart pls، با توجه به بار عاملی هر یک از چالش‌ها بر سازه موردنظر خود (حوزه مفهومی)، اعتبار هر یک از آنها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مواردی که بارهای عاملی آن‌ها، بزرگ‌تر از ۰/۷ بود، مورد پذیرش قرار گرفت.

۴-۲. ضریب تعیین

ضریب تعیین برای هر متغیر پنهان نشان می‌دهد که چند درصد از واریانس‌های آن متغیر پنهان قابل تبیین است (سبحانی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۵).

جدول (۲): ضریب تعیین متغیرهای پنهان

حوزه عوامل	R Square
بانک مرکزی	۰,۵۴۰
فضای اقتصاد کلان	۰,۱۱۱
عملکردهای بانک‌ها	۰,۴۸۹

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۲)، حوزه اقتصاد کلان، نظارت و مجازات و عملکرد بانک‌ها سه حوزه‌ای هستند که میزانی از ضریب R^2 را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۳. بررسی پایایی و روایی متغیرهای پنهان

در این بخش محاسبات مربوط به روایی و پایا بودن مدل انجام شده و نتایج آن به شرح جدول (۳) است:

جدول (۳): روایی و پایایی متغیرهای پنهان

آلفای کرونباخ ^{۱۱}	پایایی ترکیبی ^{۱۱}	متوسط واریانس استخراج شده ^{۱۲}	عملکردهای بانک‌ها
۰/۸۰۵	۰/۹۱۱	۰/۸۳۷	

آلفای کرومباخ ^{۱۱}	پایایی ترکیبی ^{۱۱}	متوسط واریانس استخراج شده ^{۱۲}
۰/۷۹۸	۰/۸۵۸	۰/۵۰۹
۰/۸۰۳	۰/۹۰۹	۰/۸۳۴
۰/۸۰۵	۰/۸۸۴	۰/۷۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق

آلفای کرومباخ ضریبی است که سازگاری درونی متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد. سازگاری درونی یک متغیر پنهان نشان‌دهنده میزان همبستگی بین متغیر پنهان مربوطه و متغیرهای آشکار مربوط به آن است. شاخص CR نیز میزان پایایی هر متغیر پنهان را نشان می‌دهد و تفاوت آن با آلفای کرومباخ آن است که در آلفای کرومباخ تمامی شاخص‌ها با اهمیت مساوی در محاسبات وارد می‌شوند، ولی در شاخص دوم هر شاخص با بار عاملی بیشتر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ بنابراین این شاخص را قوی‌تر و منطقی‌تر از آلفای کرومباخ دانست (سبحانی‌فرد، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۸). از آنجاکه بار عاملی شاخص پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان این پژوهش همگی بیش از ۰/۷ بوده گواه از پایایی مناسب متغیرهای پنهان (سازه‌ها) است.

منظور از شاخص روایی همگرا، میانگین واریانس به اشتراک گذاشته هر متغیر پنهان با متغیرهای آشکار مربوط به خود است. هرچه میزان این میانگین بیشتر باشد، یعنی متغیر پنهان موردنظر قوت بیشتری در تبیین تغییرات (واریانس‌های) متغیرهای آشکار خود داشته است. به همان دلیل گفته شده برای ضریب تعیین، شرط مناسب بودن این شاخص برای هر متغیر پنهان بالای ۰/۵ بودن این برای هر متغیر پنهان است (سبحانی‌فرد، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۹). با توجه به اطلاعات جدول (۳)، مقادیر این شاخص برای ۴ متغیر پنهان مشخص شده در مدل، حدکفایت لازم را برآورده ساخته است.

۵. پیامدها

اقتصاد ایران چند سالی است که با پدیده جدیدی به نام بنگاهداری بانک‌ها روبرو شده است. بانک‌ها به جای اینکه تسهیلات را در اختیار تولیدکنندگان بگذارند، خود با تشکیل هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری به سمت بنگاهداری رفته‌اند و بخشی از منابع‌شان را

به آن سمت هدایت کرده‌اند. در این میان بنگاه‌هایی هم هستند که راه بانکداری را در پیش گرفته‌اند تا بتوانند در این گردونه رقابتی بخشی از سپرده‌ها را جمع‌آوری کرده و قدرت مالی خود را افزایش دهند. پرواضح است که با عملکردهای این‌چنینی نه تنها نظام بانکی کشور بلکه کل ساختار اقتصادی ایران که اتفاقاً تکیه زیادی بر بازار پول هم دارد آسیب جدی خواهد دید و پیامدهای آن می‌تواند بر کل فضای مالی مؤثر باشد. در ذیل مواردی از این تأثیرات را مشاهده می‌کنیم:

۵-۱. ناتوانی بنگاه‌ها در تأمین سرمایه در گردش از طریق بانک‌ها

در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین مشکلات بنگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی، ناتوانی آنها در تأمین مالی سرمایه در گردش فعالیت‌های عملیاتی خود از طریق بانک است. چراکه از یک سو بانک‌ها با توجه به منافع خود، اولویت را در ارائه تسهیلات به شرکت‌های تابعه خود می‌دانند و به سایر شرکت‌ها توجه کمتری می‌کنند و از سوی دیگر در صورت تمایل به ارائه تسهیلات به دیگر شرکت‌ها، نرخ سود و هزینه بالای این تسهیلات، در عمل مشکلی از مشکلات تولیدکنندگان را حل نخواهد کرد (فهیمی، ۱۳۹۳، ص. ۶۹).

۵-۲. حذف بنگاه‌های خرد و فعالین بخش خصوصی در تقابل با بنگاهداری بانک‌ها

بانک‌ها با داشتن حجم عظیمی از سپرده‌های مردم، در صورتی که وارد فضای بنگاهداری و سرمایه‌گذاری مستقیم شوند، بی‌شک به‌عنوان رقبایی بسیار قدرتمند محسوب می‌شوند که نقدینگی موجود در جامعه را جمع‌آوری کرده در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار می‌دهند. نتیجه آن می‌شود که منتفعین این حجم نقدینگی زیرمجموعه‌های بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ می‌شوند و سایر متقاضیان وجوه از این استخراج سرمایه بی‌نصیب خواهند ماند یا دسترسی آنها همراه با هزینه و کم‌کم دچار مشکلات مالی می‌شوند و به سمت ورشکستگی می‌روند. لذا بنگاهداری بانک‌ها می‌تواند آثار مخربی برای فضای کل اقتصاد و تولید کشور داشته باشد.

۳-۵. افزایش ریسک نظام بانکی

ورود بانک‌ها به فضای بنگاهداری باعث می‌شود که آنها حجم عظیمی از نقدینگی جامعه را در بخش‌های خاصی سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاص یادآور همان ضرب‌المثل معروف گذاشتن تمام تخم‌مرغ‌ها در یک سبد است. عدم تخصیص تسهیلات به بخش‌های مختلف و تمرکز تسهیلات بانک‌ها در یک بخش خاص تا زمانی خوب است که آن بخش خاص اقتصادی سود ده باشد. اگر شرایط عکس شود و فعالیت‌های بنگاه‌های بانک‌ها زیان‌ده شود یا که سرمایه در گردش آن‌ها منجمد شود، نقدینگی بانک‌ها نیز به شدت کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، نوسان و کاهش سودهی یک بخش خاص اقتصادی، می‌تواند بانک مربوطه را با خطر ورشکستگی مواجه نماید. بروز چنین حالتی نظام بانکی کشور را در معرض یک ریسک عظیم اما پنهان قرار خواهد داد. از سویی با توجه به اینکه بانک‌ها نقش زیادی در فضای اقتصادی کشور دارند، این حالت می‌تواند به یک بحران ملی منجر شود که طبیعتاً آثار مخربی بر نظام اقتصادی کشور خواهد داشت.

۴-۵. کم اثر کردن سیاست‌های پولی

بنگاهداری بانک‌ها خارج از قوانین و مقررات جاری کشور، می‌تواند در اجرای صحیح سیاست‌های پولی و بانکی کشور اختلال ایجاد کند. مثلاً بانک مرکزی سیاست کاهش نرخ بهره را به عنوان یک سیاست پولی مدنظر دارد. بانک‌هایی که اقدام به بنگاهداری می‌کنند برای جبران کاهش ذخایر خود نزد بانک مرکزی در پایان روز ناچار به فروش دارایی‌های خود هستند. از آنجاکه بانک‌های بنگاهدار منابع خود را در دارایی‌هایی با قدرت نقدشوندگی پایین مانند زمین و مستغلات، سهام شرکت‌هایی که در آنها صندلی مدیریتی دارند و یا به صورت مستقیم در شرکت‌های تولیدی و خدماتی تابعه خود، سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به ناچار به سمت استقراض از بازار بین‌بانکی می‌روند اما چون که کسری ذخایر بانک‌های بنگاهدار دائمی است و نمی‌توانند به طور دائم این کسری ذخایر را از بازار بین‌بانکی برطرف کنند، به سمت راه‌حل مطمئن‌تر و پایدارتری می‌گردند و آن استقراض و اضافه برداشت با نرخ ۳۴ درصدی از بانک مرکزی است که

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در.../رضا کریمی وردجانی و دیگران **تجربیات بازرگانی** ۴۰۳

نتیجه این تصمیم چیزی جز افزایش هزینه منابع مالی بانک‌ها، افزایش نرخ سود تسهیلات، اثرات تورمی و... در اقتصاد کشور نیست. از طرفی رقابت بین بانک‌ها برای جذب سپرده بیشتر برای جبران کاهش ذخایر، منجر به افزایش نرخ سود بانکی می‌شود که باهدف سیاست‌گذار در تضاد است.

۵-۵. افزایش کژگزینی^{۱۳} و کژمنشی^{۱۴}

ارتباط مالکیتی بانک و بنگاه به‌صورت مستمر موجب می‌شود پروژه‌هایی تأمین مالی شوند که شرکت‌های زیرمجموعه‌ی بانک پیشنهاد می‌کند و نه پروژه‌هایی که خلاقانه طراحی شده و با کارایی بالا برای اقتصاد مفید هستند. در چنین شرایطی بنگاه زیرمجموعه بانک با خاطری آسوده از تأمین مالی، نیازی به طراحی خلاقانه پروژه‌ها نمی‌بیند و برای افزایش بهره‌وری و ایجاد افزوده‌ی بیشتر تلاشی نمی‌کند؛ درحالی‌که بنگاه‌های خلاق در بخش‌های مختلف اقتصادی، دسترسی به منابع مالی ندارند و پروژه‌های پربازده هیچ‌گاه آغاز نمی‌شوند. به تعبیری فنی‌تر بنگاهداری بانک‌ها نه تنها موجب کاهش هزینه‌های اطلاعات نامتقارن نمی‌شود، بلکه این هزینه‌ها را افزایش می‌دهد و با تشدید کژگزینی و کژمنشی، هزینه زیادی را بر اقتصاد و حتی خود بانک تحمیل خواهد کرد.

۵-۶. افزایش میزان مطالبات معوق بنگاه‌های بانکی

بنگاهداری، بانک را به‌طورجدی با مسأله تعارض منافع در وصول مطالبات مواجه می‌کند که در بلندمدت موجب ورشکستگی و انجماد دارایی‌های بانک خواهد گردید؛ به این نحو که بانک به‌واسطه روابط مالکیتی، انگیزه کافی برای اعمال فشار در وصول مطالبات ندارد؛ چراکه در برخی موارد، اعمال فشار و وصول مطالبات می‌تواند به ورشکستگی بنگاه انجامد و این مسأله خود برای بانک سهام‌دار آن بنگاه، زیان‌آور خواهد بود. در چنین شرایطی اتفاقاً بانک ترجیح خواهد داد که تسهیلات‌دهی به شرکت را ادامه دهد تا بتواند از ورشکستگی و زیان خود جلوگیری کند. این پدیده موجب می‌شود در اقتصادهایی که بانک‌ها بنگاهدار هستند، مطالبات غیرجاری و انجماد دارایی‌ها نیز به‌صورت مزمن وجود داشته باشد.

۵-۷. افزایش ریسک نقدینگی بانک

همان‌گونه که می‌دانیم، قریب به اتفاق دارایی‌های بانک حاوی سررسید است، مانند تسهیلاتی که مثلاً سه‌ساله پرداخت شده اما تعهدات و بدهی‌های بانک (سپرده‌ها) همواره نقد و عندالمطالبه بوده و این مسأله خود بانک را با عدم تطابق سررسید و ریسک نقدینگی مواجه می‌نماید. حال اگر بانک میزان قابل‌توجهی از منابع خود را در دارایی‌هایی با قدرت نقدشوندگی پایین سرمایه‌گذاری و یا اقدام به بنگاهداری نماید می‌تواند بانک را با افزایش ریسک نقدینگی مواجه کند؛ زیرا مشتری بانک ممکن است در هر لحظه‌ای سپرده خود را مطالبه نماید و بانک را با نیاز نقدینگی روبه‌رو کند.

۶. راهکارهای پیشنهادی

شرایط رکود اقتصادی، نااطمینانی از تحولات اقتصادی در ایران و جهان، جذاب نبودن نرخ سود بانکی و ضعف نظام بانکی در جذب سپرده‌های کلان، سود کلان بنگاهداری و سفته‌بازی در شرایط امروزی اقتصاد ایران، روزافزونی معوقات و مطالبات بانکی و کاهش حجم اعتبارات شبکه بانکی، عدم چشم‌انداز روشن در خصوص اتمام تحریم‌های بانکی و برقراری ثبات بازار پول و ارز، عدم وجود ابزارهای بازدارنده‌ی قدرتمند نزد بانک مرکزی، بزرگ‌نمایی اثرات عمومی خدشه‌دار شدن اعتبار شبکه بانکی در جامعه در صورت برخورد شدید بانک مرکزی با شبکه بانکی و... همه‌وهمه حاکی از آن است که بانک مرکزی و نظام اقتصادی کشور کار ساده‌ای برای شکستن مقاومت بانک‌ها در حیطه‌ی بنگاهداری پیش‌رو ندارند.

همان‌گونه که بنگاهداری غیرمعارف شبکه بانکی، فشارهایی را به اقتصاد ملی و بخش تولیدی کشور وارد می‌سازد، خروج غیراصولی، شتاب‌زده و همراه با رانت‌جویی، خطری کمتر از ادامه‌ی بنگاهداری نخواهد داشت. تحویل بنگاه‌های زیرمجموعه در بانک‌های دولتی، اگر با تجربه ناموفق برخی از خصوصی‌سازی‌های سالیان اخیر تکرار شود، افزون‌بر گسترش فساد و رانت‌خواری، به ناکارآمدی واحدهای تولیدی، توزیع نامناسب ثروت‌ها و شکاف طبقاتی منجر می‌شود (قلیچ، ۱۳۹۳، ص. ...).

از سوی دیگر روند کار نشان می‌دهد راهکارهای قانونی فعلی از اثربخشی و کارآمدی لازم برای خروج بانک‌ها از بنگاهداری برخوردار نیست. بخشی از این ناکارآمدی به تعارض انگیزه‌ها در نهادهای سیاسی و اقتصادی کشور برمی‌گردد و برخی نیز به تفاوت‌های اساسی بین انگیزه‌های سهامداران عمده در بانک‌های خصوصی، خصوصی شده و دولتی مربوط است. واقعیت این است که سرنوشت بانک‌های خصوصی به بنگاهداری و اجرای پروژه‌های بزرگ و میل به گسترش آن گره خورده است، درحالی‌که در بانک‌های خصوصی شده و دولتی تسهیلات تکلیفی، بنگاهداری دولت و انتظار از این بانک‌ها، معضل مطالبات سنگین از دولت و عدم تعیین تکلیف قطعی آن در بودجه اساس دغدغه‌ها و پایه حکمرانی را شکل داده است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که برای برون‌رفت بانک‌ها از چالش بنگاهداری (اعم از دارایی‌های ثابت و شرکت‌ها) اقدامات زیر مناسب است:

- در درجه اول باید تقویت سرمایه بانک‌های کشور در دستور کار قرار گیرد.
- اقدام بعدی اصلاح ساختار نظام بانکی باهدف تقویت بانک‌ها است تا مسیر سودآوری آنها پاک‌سازی شده و بتوانند از طریق عملیات اصلی حاصل از واسطه وجوه و عقود و کارمزدها کسب سود نمایند.
- اقدام ضروری بعدی تصویب و تصحیح چارچوب قوانین و مقررات در حوزه بنگاهداری نظام بانکی است. خلاصه‌ها و کمبودهای قانون در این حیطة باعث بروز بسیاری از مشکلات شده است. از طرفی باید تصحیح قوانین موجود به‌خصوص مقررات مرتبط با وثایق و تضامین تسهیلات اعطایی نیز در دستور کار قرار بگیرد؛ چراکه در بسیاری از پرونده‌های مطالبات معوق، به دلیل ناتوانی بدهکار، بانک مجبور به تملیک وثایق و تضامین می‌گردد که این امر سبب افزایش میزان بنگاه‌های تحت تملیک نظام بانکی می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با اصلاح قوانین به‌ویژه قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، تمامی دارایی‌های مازاد بر نسبت ۷۵ درصد سرمایه پایه و سرمایه‌گذاری‌های مازاد بر ۲۰ درصد سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به یک شرکت منتقل شود و مدیران شرکت مکلف شوند ظرف سه

سال شرایط تجاری سازی شرکت و عرضه سهام آن را در بورس فراهم نمایند. با اجرای این پیشنهاد، بانکها از مدیریت انواع دارایی های مازاد خود آزاد می شوند و می توانند با دغدغه کمتری بر واسطه گری وجوه تمرکز نمایند (ربیع زاده، ۱۳۹۸، ص. ۲).

- اقدام بعدی لزوم نظارت دقیق و مستمر بانک مرکزی به عنوان متولی نظام بانکی است. بانک مرکزی می تواند از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد سازوکار نظارتی دقیق و قوی استفاده کند، چراکه اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات در تعاملات مالی و اقتصادی هر کشور نقش تأثیرگذار دارد (آل عمران، رحیم زاده و شکوهی فرد، ۱۳۹۸، ص. ۳۹).

گرچه مسأله بنگاهداری نظام بانکی چندان مبحث جدیدی نیست و سالیان سال است که کارشناسان اقتصادی و مسئولین امر در خصوص اثرات سوء این قضیه هشدار داده اند و بارها و بارها از بنگاهداری بانکها انتقاد نموده اند، اما گاهی آن قدر آش شور می شود که صدای همگان درمی آید و نیاز به تغییر و تحول اساسی نظام بانکی، به وضوح احساس می شود.

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از معضلات کنونی نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، پدیده بنگاهداری بانکی است. شناسایی عوامل بنگاهداری و تبیین پیامدهای حاصل از آن می تواند در کشف و تعیین راه حل برون رفت از این معضل مؤثر باشد. هدف از این پژوهش شناسایی و رتبه بندی عوامل عملیاتی مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در نظام بانکی است. پنج عامل که بالاترین بار عاملی را داشتند به ترتیب عبارت بودند از: بازدهی بالاتر بازارهای موازی، وثایق تسهیلات و مطالبات معوق، ناطمینانی و بی ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی، واگذاری شرکت های دولتی به بانکها به ازای دیون دولت به نظام بانکی و خلأ و فقدان قوانین و مقررات نظارتی در کشور. همچنین تسهیلات تکلیفی و عدم اجازه به ارزیابی تسهیلات گیرندگان، اجازه و تشویق بانکها برای حضور گسترده در بازار سرمایه، بانکداری بنگاهها، ضعف بانک مرکزی در نظارت و برخورد با متخلفین و

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در.../رضا کریمی وردجانی و دیگران **تجربیات اسلامی** ۴۰۷

نامناسب بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، به ترتیب پنج عامل بعدی هستند که در ایجاد بنگاهداری نقش دارند. متغیر پنهان عوامل اول و سوم، فضای کلان اقتصاد، متغیر پنهان عامل دوم عملکردهای بانک‌ها، متغیر پنهان عوامل ششم و هشتم و نهم دولت و متغیر پنهان سایر عوامل ایجاد بنگاهداری بانک مرکزی است. همچنین دور زدن قوانین توسط بانک‌ها، مدیران غیرمتخصص و عدم کفایت کارمزد واسطه‌گری وجوه سه عاملی بودند که از نظر نخبگان در ایجاد بنگاهداری رد شدند.

یادداشت‌ها

1. Glass-Steagall Act
2. CityGroup
3. Travelers Company
4. Gramm-Leach-Bliley
5. Securities and Exchange Commission
6. Dodd-Frank
7. Hedge Funds
8. Private Equity Funds
9. European Central Bank
10. Cronbach's Alpha
11. Composite Reliability
12. Average Variance Extracted
13. Adverse Selection
14. Moral Hazard

کتابنامه

- آل‌عمران، رویا؛ رحیم‌زاده، فرزاد؛ و شکوهی‌فرد، سیامک (۱۳۹۸). اثر اینترنت بر بازدهی سیستم بانکی (مطالعه موردی بانک‌های منتخب ایران). *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۳(۴۷)، ۳۹-۶۲.
- احرامیان، بهادر (۱۳۹۳). بنگاهداری بانک‌ها مقصر کیست؟ *ماهنامه بازار و سرمایه*؛ ۵(۶۰)، ۶۶.
- افزودی، صبا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بنگاهداری بانک‌های منتخب (۱۳۹۳-۱۳۸۷) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- بهمنی، محمود (۱۳۹۵). *باتلاق بنگاهداری بانک‌ها*. خبرگزاری مجلس شورای اسلامی خانه ملت.

توکلی، سلیمان (۱۳۹۷). نیاز به اعتمادسازی بین مشتریان بانک‌ها مجبور به بنگاهداری شدند. خبرگزاری رتبه آنلاین؛ شماره ۱۰۱.

حمدیان‌پور، فخریه؛ شفیعی، محبوبه؛ و دهقانی، مریم (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی جهت بررسی تأثیر کارآفرینی استراتژیک بر نوآوری استراتژیک در شرکت‌های دانش بنیان شهرستان بوشهر. فصلنامه مدیریت فردا، ۱۶(۵۱)، ۱۳۳-۱۴۶.

دیانتی‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۳). آغاز خروج بانک‌ها از بنگاهداری در بورس. ماهنامه بازار و سرمایه، ۵(۵۴ و ۵۵)، ۱۰۴.

ربیع‌زاده، محمد (۱۳۹۸). برون‌رفت از بنگاهداری بانک‌ها. خبرگزاری ایبنا. سبحانی‌فرد، یاسر (۱۳۹۵). مبانی و کاربرد تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری. تهران؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

شفیعی‌نژاد، احسان؛ و شاهی‌سوق، نصرالله (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی به‌منظور گذار بانک‌ها از بنگاهداری به سمت بانکداری (بانک قوامین استان کهگیلویه و بویراحمد). دومین کنفرانس بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه.

فهیمی، حمید (۱۳۹۳). تبعات بنگاهداری بانک‌ها. ماهنامه بازار و سرمایه؛ ۵(۵۸ و ۵۹)، ۶۹. قاسم‌زاده، فرزانه (۱۳۹۵). بررسی اثر بنگاهداری بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۳). بنگاهداری غیرمتعارف بانک‌ها و زیان‌های آن. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

کمرئی، عباس (۱۳۹۵). بنگاهداری بانک‌ها بانکداری بنگاه‌ها. اقتصاد آنلاین. گلمرادی، حسن؛ محسنی، رضا؛ و گلمرادی، حسین (۱۳۹۶). تأثیر بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی بر منابع و مصارف نظام بانکی ایران. فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۲(۵)، ۳۱-۵۲.

مسگری، سعید (۱۳۹۴). بنگاهداری ناخواسته بانک‌ها. ماهنامه مؤسسه مالی و اعتباری ثامن. مصلح، عبدالمجید؛ بحرینی‌زاده، منیجه؛ و الله‌یاری، احمد (۱۳۹۲). تأثیر بازاریابی درونی بر هوش سازمانی در مؤسسات فناور. دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۵(۱۰)،

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاهداری در.../رضا کریمی وردجانی و دیگران **تجربیات اسلامی** ۴۰۹

مظاهری، طهماسب؛ شیرکوند، سعید؛ و جمالی، علی (۱۳۹۷). تأثیر محدودیت فعالیت غیربانکی و بنگاهداری بانک‌ها بر کفایت سرمایه آنها در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه پژوهش‌های پولی بانکی؛ ۱۱(۳۷)، ۳۵۶-۳۸۲.

سروی، سینا؛ نوری، مهدی؛ و قوام، محمدحسین (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط بر مبنای عرضه اولیه سکه با رویکرد سوات. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، مقالات آماده انتشار. doi: 10.30497/ifr.2021.239864.1579.